

بسمه تعالی

دانشگاه اقتصادی یا اقتصاد دانشگاهی

مهرداد تاکی

دانشگاه مبدأ همه تحولات است. از دانشگاه، چه دانشگاه علوم قدیمه چه دانشگاه علوم جدید، از دانشگاه سعادت یک ملت و در مقابل سعادت، شقاوت یک ملت سرچشمه می‌گیرد.

صحیفه امام جلد ۸ ص ۶۴

۱- مقدمه

اقتصاد مقاومتی از منویات مورد تاکید مقام معظم رهبری در طول سالیان گذشته و امروز می‌باشد. ایشان شعار سال ۹۵ را اقتصاد مقاومتی نه در عرصه شعار و حرف بلکه در عصر اقدام و عمل انتخاب فرمودند. اگر اقتصاد را ترازمان عرضه و تقاضا بدانیم، اقتصاد و در نتیجه آن اقتصاد مقاومتی در حوزه‌های مختلف معنی و مفهوم ویژه خود را خواهد داشت. تاکیدات مقام معظم رهبری این دغدغه را در نگارنده ایجاد کرده است که همواره به فکر ترجمه فرمایش ایشان در حوزه کاری خود به عنوان یک مهندس فناوری اطلاعات و یک عضو هیأت علمی دانشگاه باشم. این دغدغه و انگیزه زمانی تشدید شد که در طول دو سال اخیر بر اساس فرصت‌های کوتاه تحقیقاتی به دعوت و با هزینه دانشگاه چالمرز سوئد، برای انجام تحقیقات مشترک راهی این کشور شدم. در

مورد کشور سوئد صرفاً یک نکته بگویم که دومین درآمد سرانه دنیا، دومین رتبه در سطح نشاط مردم و مقام سوم در تولید سلاح دنیا را به خود اختصاص داده است. نکته بسیار جالب در مورد این کشور و به طول خاص دانشگاه‌های آن، اینست که شعار همیشگی آنها به زبان انگلیسی، **toward a sustainable life** است. اگر از ترجمه تحت‌اللفظی بگذریم در عمل یعنی هدف آنها پیاده سازی الگوی اقتصاد مقاومتی است و عامل رشد و توسعه فوق‌العاده خود را در این شعار می‌دانند. این مسأله اینجانب را برآن داشت که به مطالعه دقیق سیستم دانشگاهی این کشور و مقایسه آن با چند کشور برتر دیگر اروپایی از جمله آلمان، فرانسه و بلژیک بپردازم و بررسی نمایم که در این کشورها الگوی اقتصاد مقاومتی دانشگاه به چه صورت پیاده می‌شود. بررسی سیستم دانشگاه‌های یاد شده، نشان داد که در آنها چه به لحاظ ترکیب ملیتی و چه جنسیتی و چه به لحاظ دکترین و قواعد و اصول کلی نکات قابل توجهی وجود دارد.

در اینجا بایستی قویاً تأکید بنمایم که از نظر نگارنده علت اصلی کم فروغ و کم اثر بودن سیستم دانشگاه در کشور عزیزم ایران تقلید صرف از سیستم‌های دانشگاهی غربی است، علیرغم وجود سابقه کهن آموزشی. به عبارت دقیق‌تر و تمثیلی در کشور ما داروی مؤثری از غرب وارد شده و استعمال می‌شود اما توجه نداریم که این دارو اساساً برای چه مرضی بوده است و آیا بیماری در کشور ما همان است یا خیر. از نظر نگارنده هر چند بایستی از الگوها و اصول قواعد استفاده کرد، اما باید الگوی بومی متناسب با نیازهای کشور تدوین نمود. واضح است که در کشورهای صنعتی رشته‌های دانشگاهی متناسب با نیاز روز همان کشورها تدوین شده‌اند اما واضح‌تر آنکه نیاز کشورهای صنعتی غربی با نیاز کشور ما یکسان نیست.

در ادامه این نوشتار ابتدا به تعریف ساده اقتصاد پرداخته می‌شود. سپس اقتصاد مقاومتی و اصول و ارکان آن

از منظر مقام معظم رهبری مورد توجه قرار می‌گیرد. سپس اقتصاد مقاومتی در حوزه دانشگاه با توجه به اصول

مورد اشاره رهبری تعریف می‌شود.

در قسمت بعد مروری بر وضعیت جاری دانشگاه‌های ایران خواهد شد تا فاصله وضع موجود با منویات مقام

معظم رهبری آشکار شود. پس از آن از نگاه شرع مقدس و قانون اساسی به عنوان منابع اصلی تدوین ساختارها و

قواعد در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، نگاهی دوباره به ساختار فعلی آموزش‌های کشور خواهد شد. پس

از طی مراحل یاد شده ضرورت تحول کامل حس می‌شود، لذا در ادامه روش‌های ممکن و مسیرهای ممکن برای

ایجاد تحول هدفمند در ساختار نظام آموزش‌های مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. آنگونه که بیان خواهد شد،

مؤثرترین راه و شاید بتوان گفت تنها راه ایجاد تحول ترمیم حلقه معیوب ارتباط دانشگاه و جامعه و صنعت است

بگونه‌ای که صنعت و جامعه از یک سو و دانشگاه از سوی دیگر طی یک کنش و واکنش متقابل سیر تحول

یکدیگر را فراهم کنند. در ادامه نوشتار اصول و قواعد (دکترین) نظام اقتصادی مناسب برای ساختار آموزش عالی

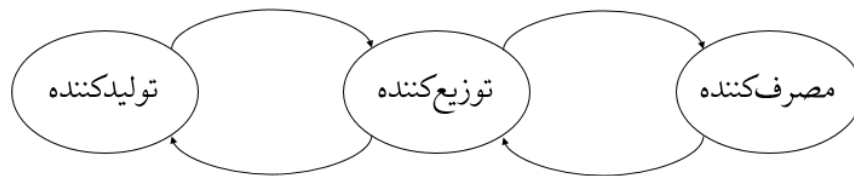
از نگاه نگارنده بیان می‌گردد. پس از بیان دکترین‌ها، بایستی موانع تحول نیز از نگاه آسیب‌شناسانه مورد توجه

قرار گیرد که این مطالب نیز بیان خواهد شد. آخرین بخش نوشتار به جمع‌بندی مطالب بیان شده اختصاص

خواهد داشت.

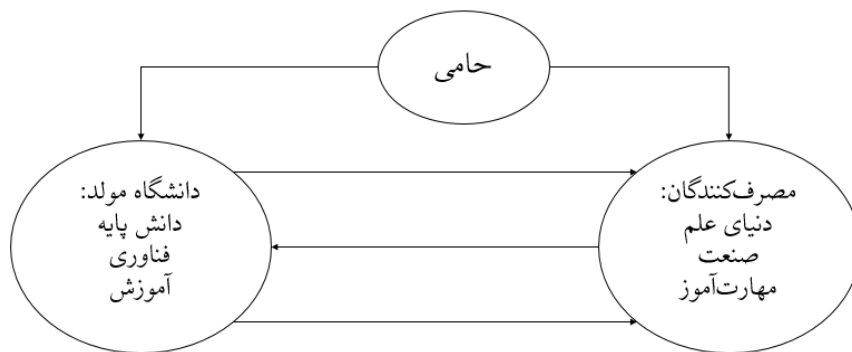
۲- تعریف اقتصاد مقاومتی یا اقتصاد مقاوم دانشگاه

اقتصاد یا ترازمان به یک نظام تعادلی در یک منطقه جغرافیایی مشخص اطلاق می‌شود و در برگیرنده تولید، توزیع یا تجارت و مصرف کالا و خدمات در آن منطقه یا کشور می‌باشد. ساختار نظام اقتصادی در شکل ۱ آمده است.



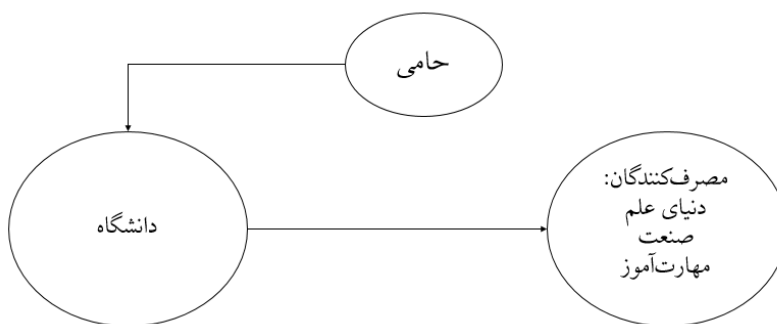
شکل ۱

بر این مبنا چرخه سالم اقتصاد دانشگاهی را می‌توان به شکل ۲ توصیف نمود در این نظام، توزیع وجود نخواهد داشت. نظام اقتصادی که در شکل ۲ نشان داده شده است هم می‌توان معرف نظام اقتصاد دانشگاه دولتی باشد و هم معرف نظام اقتصادی دانشگاه خصوصی با این تفاوت که در نظام اقتصادی دانشگاه دولتی حامی دولت وجود دارد ولی در نظام اقتصادی دانشگاه خصوصی حامی وجود ندارد. این چرخه را می‌توان به وضوح در دانشگاه‌های اکثر کشورهای اروپایی و آمریکایی ملاحظه نمود.



شکل ۲

از همین جا می‌توان عیب اساسی نظام دانشگاهی کشور ایران را به لحاظ اقتصادی مشاهده کرد. در ایران در دانشگاه‌های دولتی چیزی به عنوان نظام اقتصادی وجود ندارد و صرفاً یک حلقه ناقص برای ارائه خدمات دانشگاهی مطابق شکل ۳ دیده می‌شود.



شکل ۳

در این حلقه ناقص حامی (دولت) پول و امکانات را به دانشگاه می‌دهد تا دانشگاه به سلیقه خود و یا دولت

خدمات تولید علم، تولید فناوری و آموزش را به مخاطبان عرضه کند. مخاطب نیز هزینه بابت خدمات دریافتی نمی‌پردازد و چون دانشگاه نیز هزینه‌ها را از مخاطب اصلی دریافت نمی‌کند ضرورتی بر پاسخگویی نمی‌بیند.

۲-۱- اقتصاد مقاومتی از منظر رهبر انقلاب

در این بخش سراغ تعریف کلی اقتصاد مقاومتی از منظر مقام معظم رهبری می‌رویم. از منظر ایشان اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین کننده رشد و شکوفایی کشور باشد. نکته قابل توجه در تعریف ارائه شده آنست که اقتصاد مقاوم نه تنها در شرایط تحریم و جنگ به بقای خود ادامه می‌دهد بلکه موجبات رشد و شکوفایی کشور را نیز فراهم می‌آورد.

در ادامه به سراغ ارکان اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری می‌رویم. از نظر ایشان اقتصاد مقاومتی

دارای ارکان زیر است:

الف) مقاوم است. یعنی در مقابل آنچه ممکن است در معرض توطئه دشمن قرار بگیرد مقاومت می‌کند.

ب) از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی استفاده می‌کند. بنا به فرموده رهبر انقلاب، یکی از بخش‌های اقتصاد

مقاومتی همین تکیه به مردم است، همین سیاست‌های اصل ۴۴ که بایستی با تاکید و اهتمام و دقت و وسواس

هرچه بیشتر دنبال شود.

ج) حمایت از تولید ملی

د) مدیریت منابع ارزی، در این نظام اقتصادی منابع ارزی درست مدیریت می‌شود.

ه) مدیریت مصرف. دولت خودش یک مصرف کننده سیار بزرگی است. شما از بنزین بگیریید تا وسایل گوناگون،

یک مصرف کننده بزرگ دولت است. صرفه جویی چیز بسیار لازم و مهمی است.

علاوه بر ارکان یاد شده شاخص‌های اقتصاد مقاومتی را به صورت زیر برشمرده‌اند.

۱. ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش نرخ بیکاری
۲. مدیریت مصرف؛ مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر
۳. مدیریت جهادی و استفاده حداکثری از زمان، منابع و امکانات
۴. مقاومت مدبرانه در مقابل فشارها و تحریم‌های دشمن
۵. حمایت از تولید ملی و اقتصاد مولد
۶. توسعه فرهنگ کارآفرینی
۷. اقتصاد بر محوریت دانش
۸. توانمندسازی نیروی انسانی
۹. افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد
۱۰. هدفمند کردن یارانه‌ها در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی
۱۱. سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش
۱۲. عدم دولتی‌سازی بلکه خصوصی‌سازی اقتصاد
۱۳. افزایش امنیت اقتصادی
۱۴. جذب و رشد سرمایه‌گذاری خارجی
۱۵. کاهش وابستگی به نفت
۱۶. مهار سوداگری، مبارزه با فساد و قاچاق کالا
۱۷. اصلاح ساختار اقتصادی و تغییر مقررات و پرهیز از اخذ تصمیم‌های خلق‌الساعه
۱۸. توجه به فناوری نوین و روزآمد به منظور کاهش هزینه و افزایش بهره‌وری

۲-۲- ترجمه و بیان اقتصاد مقاومتی دانشگاه بر مبنای تعریف مقام معظم رهبری

به نظر نگارنده با توجه به تعریف مقام معظم رهبری نظام اقتصادی مقاوم دانشگاه را می‌توان به صورت زیر بیان

کرد.

یک چرخه سالم بین تولیدکننده دانش پایه، فناوری و آموزش مهارت که همان دانشگاه باشد و مخاطب و مصرف کننده که به ترتیب محصولات یاد شده، دنیای علم، صنعت و یا قشر مهارت جو می باشد. در این چرخه سالم بایستی ویژگی های زیر موجود باشند.

الف) چرخه تحت تاثیر تحریم و کاهش درآمدهای دولت قرار نگیرد.

ب) مردمی باشد.

ج) چرخه مبتنی بر نیاز واقعی جامعه باشد.

ه) با کمترین هزینه، بیشترین دستاورد را داشته باشد.

۲-۳- خصوصیات دانشگاهی در شأن جامعه اسلامی

از دیدگاه نگارنده دانشگاهی در شأن جامعه اسلامی است که ویژگی های زیر را داشته باشد.

الف) مشاور امین، متعهد و متخصص برای دولت و جامعه باشد.

ب) سنجه ای برای پایش پارامترهای مختلف سلامت جامعه باشد.

ج) درمانگاه تخصصی برای درمان دردهای جامعه باشد.

د) مولد فکر، تولید، فناوری و نوآوری باشد.

ه) محل تربیت سربازان نظام اسلامی باشد.

و) اتاق فکر جهت تدوین سیاست‌های توسعه‌ای باشد.

۳- مروری بر وضعیت جاری دانشگاه‌های ایران

در این بخش به بررسی وضعیت جاری دانشگاه‌های ایران به لحاظ بودجه دریافتی، خدمات دانشگاهی در مقاطع مختلف تحصیلی، تسهیلات رفاهی و وضعیت اساتید و کارمندان می‌پردازیم. قبل از بحث نگارنده اقرار می‌نماید که آنچه به عنوان تحلیل وضعیت جاری ارائه می‌شود صرفاً نظر شخصی نگارنده است که البته دارای سابقه کار در دانشگاه‌های دولتی، آزاد و غیرانتفاعی می‌باشد و همچنین به عنوان یک دانشجو در چندین مقطع دانشگاهی در رشته‌های فنی و علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران تحصیل نموده است.

۳-۱- بودجه جاری وزارت علوم در مقایسه با درآمد حاصل از صادرات نفت

کشور ایران یک کشور غنی با منابع زیرزمینی فراوان است اما بایستی دقت کرد که عمده استخراج‌های معدنی در کشور اگر حتی در کشور فرآوری هم شود و صادر گردد بازهم به شکل فرآوری شده وارد می‌شود لذا نمی‌توان به درآمد حاصل از معادن تکیه کرد. همچنین بخش عمده‌ای از نفت تولیدی در کشور صرف نیازهای داخلی می‌شود. اگر منابع گازی به فرم محصولات پتروشیمی درآمده صادر می‌شوند اما بازهم کشور نیازمند واردات محصولات بالادستی فرآوری شده در این حوزه است. در مجموع آنچه به عنوان درآمد ارزی صرف در کشور شناخته می‌شود عملاً نفت تولیدی مازاد است که شاید بالغ بر دو میلیون بشکه باشد که البته بایستی هزینه‌های استخراج و انتقال آنرا نیز در نظر گرفت. این درآمد شاخص خوبی برای ارزیابی هزینه‌های دولت می‌باشد. اگر

فرض کنیم دو میلیون بشکه در روز از قرار بشکه‌ای ۳۰ دلار درآمد خالص عاید کشور شود، درآمد خالص دلاری حدود بیست میلیارد دلار خواهد بود. اکنون به سراغ بودجه سنواتی مؤسسات آموزش عالی در کشور می‌رویم. بودجه جاری مؤسسات یاد شده شامل بند «و» و سایر بالغ بر سیزده هزار میلیارد تومان و بودجه عمرانی حدود ۷ هزار میلیارد تومان می‌باشد که در مجموع برابر شش میلیارد دلار است. بد نیست نیم‌نگاهی به بودجه دانشگاه‌های بزرگ که دارای سه فصل بودجه‌ای مستقل هستند و پژوهشگاه‌ها نیز داشته باشیم.

ردیف	نام دانشگاه	مبلغ بودجه پیشنهادی به میلیون ریال
۱	دانشگاه تهران	۲,۱۸۰,۲۱۸
۲	دانشگاه شهید بهشتی	۳,۰۳۹,۲۹۰
۳	دانشگاه صنعتی شریف	۲,۲۳۵,۵۵۱
۴	دانشگاه تربیت مدرس	۲,۲۳۲,۹۲۵
۵	دانشگاه صنعتی امیرکبیر	۲,۲۱۰,۲۲۲
۶	دانشگاه علامه طباطبائی	۱,۹۸۲,۲۵۲
۷	دانشگاه علم و صنعت	۱,۸۸۲,۹۲۵
۸	دانشگاه خوارزمی	۱,۲۲۲,۳۰۹
۹	دانشگاه الزهراء(س)	۱,۰۸۶,۵۱۲
۱۰	دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی	۹۲۲,۲۶۰
۱۱	دانشگاه هنر	۲۵۲,۰۲۸
۱۲	دانشگاه فردوسی مشهد	۲,۵۸۰,۰۲۲
۱۳	دانشگاه تبریز	۲,۱۶۶,۰۲۵
۱۴	دانشگاه اصفهان	۱,۲۶۸,۲۰۹
۱۵	دانشگاه شیراز	۲,۵۶۲,۸۱۵

بودجه پژوهشگاهها

- پژوهشگاه دانش‌های بنیادی ۷۴۱ میلیارد و ۷۲ میلیون ریال،

- سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران ۵۳۵ میلیارد و ۳۴۴ میلیون ریال،
- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۴۷۹ میلیارد و ۶۱۳ میلیون ریال،
- پژوهشگاه پلیمر و پتروشیمی ۳۴۷ میلیارد و ۴۳۳ میلیون ریال،
- پژوهشگاه مواد و انرژی ۲۷۷ میلیارد و ۳۳۸ میلیون ریال،
- پژوهشگاه هوا فضا ۲۷۵ میلیارد و ۷۵۸ میلیون ریال،
- پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله ۲۶۳ میلیارد و ۶۸۶ میلیون ریال،
- سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و اسلامی ۲۳۹ میلیارد و ۴۱۶ میلیون ریال و
- پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک و زیست‌فناوری ۲۰۲ میلیارد و ۲۹۸ میلیون ریال
- پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی و علوم جوی: ۱۶۴ میلیارد و ۴۰۳ میلیون ریال،
- مرکز بین‌المللی علوم و تکنولوژی پیشرفته و علوم محیطی ۱۴۱ میلیارد و ۸۰ میلیون ریال،
- مرکز اطلاع‌رسانی علوم و فناوری ۱۳۹ میلیارد و ۹۰۰ میلیون ریال،
- پژوهشگاه شیمی و مهندسی شیمی ۱۳۳ میلیارد و ۸۶ میلیون ریال،
- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ۱۲۶ میلیارد و ۳۵۰ میلیون ریال،
- موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران ۹۹ میلیارد و ۸۳۲ میلیون ریال،
- موسسه پژوهشی علوم و فناوری رنگ ۹۰ میلیارد و ۸۳۵ میلیون ریال،
- مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور ۸۷ میلیارد و ۹۷۶ میلیون ریال،

- پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران ۸۴ میلیارد و ۳۴۲ میلیون ریال

در نهایت بایستی بگوییم چرخه خدمات دانشگاهی به شدت نسبت به درآمدهای دولتی آسیب‌پذیر است و با کاهش درآمد دولت در شرایط بحرانی نظام اقتصادی آن یا بهتر بگوییم نظام ارائه خدمات آن فرو می‌ریزد.

۳-۲- کیفیت خدمات مرتبط با دانشگاه

۳-۲-۱- قبل از ورود به دانشگاه

قبل از ورود به دانشگاه، بر اثر وجود آزمون ورودی خاصی به نام کنکور به جرأت می‌توان گفت فضای رقابت بسیار نا سالمی در بحرانی‌ترین سنین بین نوجوانان ایجاد می‌شود که منجر به مشکلات خاص روحی روانی در بین آنها می‌گردد. به جرأت می‌توان گفت پر انرژی‌ترین سالیان عمر از پر انرژی‌ترین بخش جامعه تلف می‌شود. از طرف دیگر هزینه‌های مادی بسیاری به خانواده‌ها تحمیل می‌گردد. آنها بعضاً بایستی شهریه‌ای حداقل سالی چهار میلیون تومان بابت شهریه دبیرستان‌های غیرانتفاعی بپردازند. هزینه گزاف بابت شرکت فرزندان در مؤسسات آمادگی کنکور بپردازند. نکته تأسفبارتر اینکه گردش مالی مؤسساتی که اکنون مشغول چاپ کتاب‌های کنکور هستند قابل مقایسه با انتشارات درسی و دانشگاهی کشور شده است و این یعنی پولی که بایستی در نظام آموزشی پژوهشی کشور بچرخد و باعث رونق شود اکنون در فضای کاذب مشغول دوران است. اشتغال کاذبی برای افرادی به عنوان مدرس کنکور، پشتیبان و ... درست شده است که اصلاً به حال کشور

سودمند نیست. از طرف دیگر انتظارات متورمی در بین خانواده‌ها شکل می‌گیرد مبنی بر اینکه اگر فرزندشان را در عبور از سد کنکور یاری نمایند دیگر وظیفه‌ای ندارند و پس از عبور از سد کنکور نوجوان آنها به خودی خود تمامی مدارج را طی می‌کنند بایستی گفت که اثر منفی مورد اخیر نسبت به موارد قبل کمتر نیست.

۳-۲-۲- دوره کارشناسی

تعطیلات دانشگاهی متأسفانه در دوره کارشناسی منجر به تولید انبوه کارشناسان فاقد مهارت شده است. قشری از جامعه که ممکن بود با هدایت درست فن و مهارت بیاموزد و وارد صنعت شود و یا حتی به شکوفایی بخش کشاورزی کمک کند با دریافت مدرک کارشناسی تبدیل به فرد متوقعی شده است که منتظر دریافت شغل و حقوق و مزایاست.

فرد مزبور اگر در رشته‌های علوم انسانی و یا علوم پایه تحصیل کرده باشد، هم اینک هیچ افق شغلی در رابطه با رشته تحصیلی خود نمی‌بیند. در رشته‌های فنی مهندسی، مهندسانی بر مبنای سرفصل‌های کهنه و قدیمی کپی برداری شده از کشورهای صنعتی آموزش دیده‌اند که بخش اندکی از دانش آنها مفید بازار کار است. برای مثال در رشته مهندسی برق گرایش که انتخاب اول بسیاری از رتبه‌های برتر رشته ریاضی فیزیک است، نیمی از واحدها عمومی و پایه هستند که آنها را حتی پیش نیاز درس‌های تخصصی هم نمی‌توان به شمار آورد. به جرأت می‌توان گفت صرفاً یک چهارم واحدهای درسی که قابل آموزش در یک سال تحصیلی هستند قابلیت بکارگیری در صنعت و فناوری مخابرات را دارند.

نکته عجیب‌تر در شیوه پرورش کارشناسان آنست که قشر مرفه و صاحب سرمایه عموماً از سد کنکور گریزان هستند و لذا از تحصیل در دانشگاه‌های معتبر دولتی محروم می‌شوند و این یعنی عملاً افرادی که سرمایه لازم برای تولید دارند از دریافت تخصص سطح بالا محروم هستند.

اما این تمامی ماجرا نیست، قسمت اعظم ماجرا باقی مانده است. فرض کنید در اثر یک سانحه تصادف یک فرد نخبه جامعه از دست برود تا مدت‌ها مطبوعات و ذهن افراد به درستی درگیر ثلمه وارده خواهند بود. اکنون به عملکرد دانشگاه‌های طراز اول کشور مثل دانشگاه شریف و دانشگاه تهران و دانشگاه امیرکبیر، نظری بیاندازید، این دانشگاه‌ها پنج درصد بالای نخبگان و باهوش‌ترین افراد را طی یک فرآیند پیچیده شناسایی می‌کنند ترتیب می‌کنند و طبق آمار خودشان بالغ بر ۹۰٪ آنها را به کشورهای توسعه یافته ارسال می‌کنند. نخبگانی که شاید هرگز به کشور بازنگردند. البته پس از سه دانشگاه یاد شده، چند دانشگاه بعدی نیز عملکرد مشابهی از خود بروز می‌دهند با این تفاوت که حدود ۷۰٪ از فارغ‌التحصیلان خود را به خارج کشور اعزام می‌کنند. از نظر نگارنده چه خیانتی از این آشکارتر می‌توان به یک جامعه کرد. اینجانب به چشم خود دیده‌ام که فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های برتر ایران بدون هیچ تشریفاتی جذب دانشگاه‌های معتبر خارجی می‌شوند و آغوش صنایع نیز در آنسوی مرزها به روی اینان باز است.

جالب است بدانیم تعداد فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی در کشور با تعداد افراد جذب شده در مقطع کارشناسی ارشد برابر است اما پنجاه درصد فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی یا جذب کارهای غیرمرتبط می‌شوند و یا از کشور خارج می‌شوند و این تعداد با فارغ‌التحصیلان برگزیده دانشگاه‌های آزاد و غیرانتفاعی

جایگزین می‌شوند.

۳-۲-۳- دوره کارشناسی ارشد

در دوره کارشناسی ارشد حدوداً پنجاه درصد وقت دانشجویان صرف گذراندن یک سری واحدهای تئوری می‌شود که عملاً می‌توان آنها را ادامه کارشناسی دانست چراکه دوره تحقیق به طور کامل و مستقل بعد از واحدهای تئوری شروع می‌شود. در بسیاری از حوزه‌ها عملاً کار تحقیقی دانشجوی کارشناسی ارشد، باز تدوین مقالات چاپ شده توسط دیگران است با اندکی اضافات. پایان‌نامه‌ها کمتر به نتیجه جدید تحقیقاتی منجر می‌شود. با اینحال نقطه قوت دوره کارشناسی ارشد آنست که دانشجویان روش تحقیق را می‌آموزند.

۳-۲-۴- دوره دکتری

مشاهدات نگارنده در بررسی دانشگاه‌های معتبر گواه آنست که عمده تحقیق و توسعه در این دانشگاه‌ها با بکارگیری کارآمد دانشجویان دکتری صورت می‌گیرد. این در حالی است که دانشجوی مقطع دکتری در کشور عزیزمان ایران، فردی است درگیر با انتظارات خانواده و جامعه که بایستی آنها را از طریق حق التدریس و کارهای پاره وقت پاسخگو باشد. عملاً فرد مزبور از عنوان خود استفاده می‌کند تا بتواند با تدریس و یا تحقیق پاره وقت امرار معاش نماید. بخش اندکی از وقت و انرژی دانشجوی دکتری در طول مدت زمان تحویل صرف مواجهه با انتظارات پژوهشی استاد راهنما می‌شود. از آنجا که معمولاً شرط لازم برای دفاع از رساله دکتری داشتن مقالات ISI و علمی پژوهشی است، افراد به دنبال موضوعاتی می‌روند که اصطلاحاً توسط نشریات داغ

شده‌اند در حوزه مهندسی زیر و بم تئوری‌های تدوین شده در حوزه فناوری‌های بیگانه جستجو می‌گردد و با تمام توان در جهت حل آنها اقدام می‌گردد. هرچند دانشجوی دکتری کارآمدترین نیروهای دانشگاه است اما بایستی گفت مقطع دکتری حداکثر از ۲۰٪ از توان دانشجو در راستای رساله دکتری استفاده می‌شود. و لذا به لحاظ کارآیی این مقطع در آخرین رده قرار دارد.

۳-۲-۵- تسهیلات رفاهی دانشجویی

به جرأت می‌توان گفت عمده تسهیلات دانشجویی در دانشگاه‌ها صرف خوابگاه داری می‌شود. اما متأسفانه خوابگاه به شکل فعلی آن نه تنها در توسعه و پیشرفت و تعالی جوانان کشور مؤثر نیست بلکه مضر هم هست. خوابگاه با تقویت حس استقلال طلبی جوانان، زمینه ساز قطع حمایت‌های اقتصادی خانواده در شرایط سنی کاملاً نامناسب می‌شود. خانواده‌ها گمان می‌کنند با فرستادن فرزند خود به خوابگاه هزینه بسیار کمی بابت او خواهند پرداخت و چه بسا جوانانی که ترجیح می‌دهند هزینه زندگی خوابگاهی را شخصاً تامین کنند. این درحالی است که شرایط سنی جوانان تازه وارد به دانشگاه در کنار شرایط اقتصادی کشور به هیچ وجه مناسب نیست.

خوابگاه علاوه بر این قطع کننده نظارت و حمایت عاطفی خانواده‌ها هم هست. و این مسأله موجب شده است بعضاً گرایش به شبکه‌های گلدکوئیستی، اعتیاد و مشکلات روحی روانی در بین دانشجویان خوابگاهی دیده شود. با یک حساب سرانگشتی می‌توان دریافت که هزینه‌های خوابگاه نیز در نوع خود قابل توجه است.

از حدود یک میلیون دانشجوی مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های دولتی حدود ۲۵٪ خوابگاهی هستند. به ازای هر دانشجوی خوابگاهی به طور متوسط بایستی دویست و پنجاه شبانه حضور در خوابگاه در نظر گرفت. سرانه نگهداری خوابگاه به ازای هر نفر حدود شش هزار تومان به ازای هر شب است. اگر سرانه سکونت هر دانشجوی خوابگاهی را چهارمتر مربع در نظر بگیریم و اجاره سالانه خوابگاه متناظر با هر فرد حدود هفتصد و پنجاه هزار تومان است. یعنی سالانه دو میلیون و دویست و پنجاه هزار تومان به ازای هر نفر.

در کنار آمار فوق بایستی توجه داشت که دانشگاه به ازای هر شبانه روز حضور دانشجوی خوابگاهی، دوهزار تومان یارانه صبحانه، و سه هزار و پانصد تومان یارانه شام می‌پردازد و به طور متوسط این پرداخت برای دویست شبانه روز در سال صورت می‌گیرد.

دانشجوی خوابگاه در سال دویست روز نهار با یارانه سه هزار و پانصد تومان به ازای هر وعده استفاده می‌کند درحالیکه دانشجوی بومی حداکثر پنجاه روز در سال نهار مهمان دانشگاه است. در مجموع هزینه مازاد هر دانشجوی خوابگاهی نسبت به دانشجوی بومی دو میلیون و هفتصد هزار تومان خواهد شد که با احتساب تعداد دانشجویان حدود هزار میلیارد تومان هزینه مازادی است که دانشجویان غیربومی تحمیل می‌کنند.

$$250000(250 \times 200 + 750000 + 6000 \times 150 + 5500 \times 350)$$

به عبارتی یک میلیون تومان به ازای هر دانشجو در دانشگاه دولتی.

البته نگارنده به هیچ عنوان معتقد نیست که پرداخت کمک هزینه به دانشجویان اشتباه است چراکه بودجه

تسهیلات دانشجویی حداکثر ۴٪ از بودجه تخصیص یافته است اما روش هزینه کرد اهمیت دارد.

۳-۲-۶- وضعیت اساتید

با عرض تاسف بایستی گفت که در نظام جاری، استاد به عنوان فردی با پتانسیل و انگیزه بالا طی فرآیندی نسبتاً پیچیده جذب می‌گردد و یک چهارم حقوق و مزایای استاندارد بین‌المللی خود را دریافت می‌کند وی به لحاظ آموزشی بایستی آنچه قبلاً آموخته است آموزش بدهد و البته انگیزه‌ای هم نسبت به تغییر این وضع ندارد. به لحاظ پژوهشی سیستم آموزشی از استاد می‌خواهد که برای حفظ تمام حقوق و مزایا و حفظ مسیر رشد و ارتقا! هر دو سال یکبار یک مقاله علمی پژوهشی یا ISI به چاپ برساند مستقل از اینکه این مقالات چه تاثیری بر توسعه کشور داشته باشد.

استاد عنوان پروژه‌ها را صرفاً بایستی برحسب علایق شخصی و یا ابهامات ذهنی خود انتخاب کند. اگر تصمیم به ارتباط با صنعت داشته باشد، قانون حمایتی شخصی در مورد او وجود ندارد و به علاوه علنی کردن این تصمیم منجر به ایجاد حساسیت همکاران نسبت به او می‌شود.

۳-۲-۷- وضعیت کارمندان

در مورد وضعیت کارمندان رسمی و قراردادی بایستی گفت که تعداد آنها به طور متوسط ۱ کارمند به ازای ۱ عضو هیات علمی است که این تعداد گاهی به ۲ نیز افزایش می‌یابد و این یعنی کارمندان ۴ تا ۸ برابر تعداد استاندارد خود در دانشگاه‌های طراز اول هستند. علاوه بر این قراردادهای حجمی در دانشگاه‌های شاخص محور یعنی برحسب متر مربع فضای سبز، تعداد شعله‌های لامپ و یا تعداد سیستم‌های سرمایشی گرمایشی نیست و

این مسأله هم خود موجب اسراف است.

۳-۲-۸- جمع بندی

در مجموع سیستم نظام آموزش‌های فعلی، اولاً نسبت به بحران‌های اقتصادی نامقاوم است. ثانیاً صنایع انسانی و مادی خود را به خوبی مدیریت نمی‌کند. ثالثاً آموزش‌های نه چندان متناسب با نیاز جامعه ارائه می‌دهد. رابعاً اتهام اسراف و هدر دادن بیت‌المال به آن وارد است و لذا ضرورت تحول در آن کاملاً مشهود است.

۳-۳- خدمات دانشگاهی ایران در مواجهه با شرع و قانون اساسی

از آنجا که شرع و قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی منابع اصلی قوانین و ساختارها در کشور هستند بد نیست در این قسمت اعتبار شیوه اداره آموزش‌ها در کشور را به لحاظ شرع و قانون اساسی مورد توجه قرار دهیم. از منظر شرع صرف هزینه‌های بیت‌المال با نظر ولی فقیه امکان پذیر است اما سؤال اینجاست که وقتی ولی امر تاکید بر صرفه جویی و مقاوم سازی نظام اقتصادی می‌نماید، به نوعی وظیفه شرعی صرفه جویی و کارآمدسازی نظام اقتصادی به عنوان یک تکلیف بر مسئولین واقع خواهد شد.

قانون اساسی در اصل سی‌ام، دولت را موظف کرده است تا وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل آموزش عالی را تا سرحد خودکفایی بطور رایگان گسترش دهد. با توجه به این اصل واضح است که آموزش‌های رایگان در بسیاری از رشته‌ها که تعداد فارغ‌التحصیلان در آنها به سرحد اشباع رسیده است، موافق با قانون اساسی نیست.

در این رابطه توجه به برخی از اسناد بین المللی نیز قابل توجه است مثلاً در ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر فقط بر مجانی بودن آموزش ابتدایی تأکید شده است.

۴- ضرورت تحول و ارزیابی روش‌های ممکن برای آن

با توجه به مطالب بیان شده در بخش سوم ضرورت اجتناب ناپذیر تحول در نظام آموزش عالی کشور و حرکت به سوی ایجاد نظام اقتصادی مقاوم دانشگاهی کاملاً محسوس است اما سؤال اینجاست که مبدا این تحول بایستی کجا باشد. به عنوان اولین گزینه، شاید وزارت علوم به ذهن برسد که به شکل دستوری و بخشنامه‌ای مسیر تحول را نشان دهد اما این روش قطعاً کارآمد نیست زیرا اولاً در ستاد وزارت علوم بدنه قوی و قدرتمند کارشناسی برای انجام این تحول وجود ندارد. ثانیاً سیاست‌های پوپولیستی دولت‌ها مانع از این می‌شود که خود عهده‌دار چنین جراحی بزرگی شوند. دومین گزینه آنست که با تبیین ضرورت‌ها از دانشگاه بخواهیم به شکل خودجوش اقدام به تحول نمایم واضح است که با حفظ ساختار اقتصادی موجود، سری که درد نمی‌کند را دستمال نمی‌بندند و دانشگاه هرگز پیش قدم نخواهد شد. نگارنده هم به عنوان یک عضو هیأت علمی ترجیح می‌دهد، آنچه می‌داند را آموزش دهد. مثال آشکاری برای ناکارآمد بودن سیاست تحول مدیریت شده توسط وزارت علوم و یا دانشگاه‌ها طرح تحول علوم انسانی است که بعد از سالیان هنوز هم به نتیجه نرسیده است. اینجاست که استفاده از تجربیات موفق سایر کشورها به عنوان یک اصل مورد تأیید اسلام ضرورت پیدا می‌کند. باید پذیرفت که نظام آموزش عالی در کشورهای پیشرفته موتور محرک توسعه و پیشرفت است و از آن مهمتر آنکه سیستم آموزش‌های کشورهای

یاد شده به خوبی از عهده وظایف خود برآمده است. تقلید جاهل از عالم از افتخارات اسلام است به تعبیر قرآن، فبشر العباد، الذین یسمعون القول و یتبعون احسنه. اما نکته بسیار مهم در این میان آنست که تقلید کور از ظواهر دانشگاه‌های خارجی نه تنها مفید نیست بلکه مضر هم هست. شاید به جرأت بتوان گفت دلیل ناکارآمدی نظام آموزش‌های در کشور ایران آنست که کاملاً بر اساس تقلید ظاهری ساخته شده است. از نظر نگارنده اما، بومی سازی و استفاده از دکترین‌ها و قواعد کلی و اصول و مبانی نظام‌های دانشگاهی پیشرفته سودمند است. دکترین‌ها و مبانی را بایستی بر مبنای نیازهای کشور اسلامی به روز رسانی کرد. از جمله موارد مهم دیگر، روش شناسی توسعه است. شاید موقعیت اولیه و هدف نهایی در امور مختلف متفاوت باشد اما این امکان وجود دارد که روش تحول در بسیاری از موارد یکسان باشد. به نظر نگارنده اتفاقاً بهره‌گیری از روش‌های تحول در نظام‌های پیشرفته ارزشمند است. قبل از اینکه به سراغ الگوهای تحول در دانشگاه‌های موفق برویم بد نیست اشاره کنیم که ایران صاحب سبک منحصر بفرد در آموزش عالی است، خوب یا بد نگارنده هیچ کشور اروپایی یا آمریکای شمالی و یا آسیای شرقی را نمی‌شناسد که شیوه اداره آموزش عالی و دانشگاه در آن مشابه ایران باشد. یک نکته جالبتر اینکه در پیشرفته‌ترین دانشگاه‌های اروپایی که هرگز تصور مشکلات مادی هم در آنها نمی‌شود، شعار ثابت **sustainable life** یعنی زندگی مقام است و همواره جایگاه دانشگاه با این دکترین مقایسه و ارزیابی می‌شود.

اما بررسی‌های نگارنده در مورد الگو و دلیل تحول و پویایی دانشگاه‌های سوئد نشان می‌دهد دانشگاه‌ها به طور مداوم در سال به روزرسانی سرفصل‌های درسی و توسعه رشته‌های جدید هستند و آنچه موجب این پویایی شده

است آنست که واسطه دولت از میان دانشگاه و صنعت و جامعه حذف شده است دولت صرفاً حامی است و حتی سیاستگذار هم نیست دولت خود یک مشتری کلان برای خدمات دانشگاهی است و با خریدهای دست و دلبازانه خود دانشگاه را حمایت می‌کند. به عبارت دیگر اگر دانش پایه، فناوری و آموزش را سه محصول دانشگاه بدانیم، دانشگاه آموزش را مستقیماً به جامعه و فناوری را مستقیماً به صنعت می‌فروشد و از این مسیر بایستی نیازهای مالی خود را تامین کند. و دولت به جامعه و صنعت در خرید نیازهای خود کمک می‌کند. اینجا است که دانشگاه همواره بایستی مشتریان خود را راضی نگه دارد. البته محصول دانش پایه را دولت به شیوه‌ای هوشمندانه مورد حمایت قرار می‌دهد. همانگونه که گفته شد نظر نگارنده به هیچ عنوان تقلید کور نیست لذا در بخش بعد سعی خواهد شود اصول و مبانی مقاوم سازی اقتصاد دانشگاهی بیان شود.

۵- دکتربین نظام اقتصادی مقاوم دانشگاه

قبل از اینکه در چندین بند دکتربین پیشنهادی ارائه شود، لازم است اشاره‌ای به رسالت‌های دانشگاه داشته باشیم. رسالت دانشگاه را در دو مورد می‌توان خلاصه نمود الف) تولید عالم یعنی آموزش و تربیت نیروهای متخصص ب) تولید علم که خود شامل دو بخش است تولید فناوری و تکنولوژی مورد نیاز صنعت و تولید دانش پایه؛ در ادامه با توجه به رسالت‌های دانشگاه دکتربین مقاوم سازی اقتصاد دانشگاهی ارائه می‌شود.

۵-۱- در بخش تولید عالم

زمانی که هدف تولید عالم است و به عبارتی آن بخش از نظام آموزش عالی که مرتبط با تولید نیروی متخصص

است بایستی کاملاً با جامعه مرتبط باشد در این بخش عقل، شرع و قانون اساسی می‌گویند بایستی نظام آموزش عالی رایگان تدریجاً حذف شود. البته آموزش غیررایگان نباید به قصد انتفاع باشد بلکه بایستی صرفاً در حد قیمت تمام شده عمل نماید. حذف تسهیلات و آموزش رایگان، تقاضای کاذب ورود به دانشگاه را از میان می‌برد. صرفاً رشته‌هایی مورد توجه قرار می‌گیرند که قابلیت استفاده در دنیا و یا آخرت را داشته باشند وقتی خوابگاه و غذا و مدرک ارزان قیمت ارائه نشود، آنوقت جامعه صرفاً براساس نیاز واقعی خود به دانشگاه مراجعه می‌کند. اتفاق مهمتر اینکه، صاحبان سرمایه که توان بکارگیری دانش خود را در تولید ثروت دارند نیز به راحتی و بسته به علایق خود و به دور از فشارهای رقابتی وارد دانشگاه می‌شوند و البته در این بخش تجربه‌های ناموفق و موفق زیادی در کشور وجود دارد که بایستی مورد توجه قرار گیرد. دانشگاه‌های خصوصی در کشور سابقه نسبتاً قابل قبولی دارند اما نگاه آسیب‌شناسانه به عملکرد آنها در این بند بسیار مؤثر است. توجه کنیم که مجموعه دانشگاه آزاد در سال جاری رتبه نخست تولید علم در کشور را کسب کرده است. اما در عین حال تولید انبوه مدرک در کنار آموزش با کیفیت پایین از مسائل نگران کننده است. با این حال زمانی که مخاطب جامعه است و ارتباط مستقیم برقرار است، بایستی جامعه را در انتخاب خود آزاد گذاشت. جالب است که به تنوع و عناوین رشته‌های جدید در دانشگاه آزاد توجه شود. این مسأله ناشی از آن است که این دانشگاه در تقابل با جامعه سعی در حفظ خود در بازار دارد. بد نیست بدانیم مثلاً در سوئد ممکن است شما مدرک کارشناسی تعمیر تراکتور دریافت کنید. دانشکده‌ای که ما به عنوان فنی مهندسی می‌شناسیم در آنجا شامل سه دپارتمان مستقل است دپارتمان فنی دپارتمان مهندسی و دپارتمان علوم مهندسی. با رو در رو قرار گرفتن جامعه و دانشگاه، بحث آموزش‌های آزاد و

آموزش‌های مجازی جایگاه واقعی خود را پیدا می‌کند.

۵-۲- در بخش تولید فناوری

فناوری و تکنولوژی نیاز صنعت است. در این بخش هم واسطه‌گری دولت بی‌معناست. دانشگاه بایستی توان خود را در این عرصه بالا ببرد. در این حالت صنعت نیز نیاز خود را به دانشگاه می‌آورد. در دانشگاه‌های پیشرفته، بخشی از دانشجویان براساس اعتبار دریافتی از صنعت تربیت می‌شوند. در مورد ایران بایستی به سمتی برویم که استاد براساس طرح‌های پژوهشی که از صنعت می‌گیرد از دانشگاه فضا‌های اداری تحقیقاتی بگیرد. هزینه تحصیل دانشجویان ارشد دکتری و حتی دستمزد آنها را بپردازد.

۵-۳- در بخش تولید دانش پایه

شاید دانش پایه محصولی نباشد که از صنعت و یا جامعه خریدار داشته باش، د اینکه شما یک پدیده کیهانی یا یک نظریه فیزیک را گسترش داده‌اید، مستقیماً ممکن است به درد صنعت نخورد. اما تولید علم پایه، ایجاد غرور ملی می‌کند جایگاه بین المللی را ارتقا می‌دهد و سرآمدی در تولید علم، قدرت چانه‌زنی در عرصه بین المللی ایجاد می‌کند. پس بایستی از طرف دولت حمایت شود. مشکل اینجا موازی کاری و نبود کارهای هدف دار است. اتفاقاً اینکه بحث از صرف ۳ تا ۷ درصد بودجه عمومی کشورهای پیشرفته در حوزه مسائل بنیادین می‌شود منظور این بخش است که متأسفانه این بودجه کاملاً در بخش آموزش صرف می‌گردد.

برای اجتناب از این مشکلات، راهکار پیشنهادی اینست که در حوزه‌های مختلف مراکزی در کشور مسؤول

هدایت مطالعات بنیادی شوند. هر استادی بسته به رزومه خود برای انجام یک طرح بنیادی از طریق مراکز یاد شده، اقدام کند و در صورت پذیرش، اعتبار تحقیق دریافت کند و با اعتبار یاد شده بتواند شهریه دانشجوی دکتری، هزینه اجاره آزمایشگاه و فضای کار در دانشگاه و حتی دستمزد دانشجو را بپردازد. این مسأله در مورد علوم انسانی هم صادق است. مثلاً مرکزی به منظور مطالعات اقتصادی در کشور باشد که مدیریت مطالعات اقتصادی را برعهده داشته باشد. این مرکز مطالعه در مورد سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را جزء موارد مورد حمایت خود قرار می‌دهد. اساتید از سراسر کشور در یک فضای رقابتی برای دریافت اعتبار اقدام می‌کنند و برترین‌ها اعتبار لازم را دریافت می‌کنند. اعتبار وارد دانشگاه مرتبط با استاد می‌شود. براساس این اعتبار استاد می‌تواند دانشجوی دکتری بگیرد و بخشی از این اعتبار صرف هزینه تحصیل دانشجویان مذکور می‌گردد. بخشی از اعتبار دستمزد استاد است و بخشی سهم دانشگاه. در اینجا دولت بایستی دست و دلبازانه عمل کند. عملاً حمایت‌های دولت از دانشگاه در این قالب صورت می‌گیرد پس فضای رقابتی برای تولید علم در بین دانشگاه‌ها ایجاد می‌شود. از موازی کاری‌ها اجتناب می‌شود. و تولید علم هدفدار می‌شود.

۵-۴- تسهیلات دانشجویی

نگارنده معتقد است که حمایت از دانشجو یکی از وظایف دولت‌هاست و نیایستی تسهیلات دانشجویی به طور کامل حذف گردد. بلکه بایستی هدفدار شود. به جای پرداخت تسهیلات در حوزه خوابگاه‌ها بایستی از دانشجویان مستعد مستقیماً حمایت کرد. بودجه هزار میلیارد تومانی خوابگاه بایستی به بیست درصد دانشجویان مستعد در

قالب حمایت مالی و تسهیلات پرداخت شود. به هر دانشجوی مستعد می‌توان سالانه پنج میلیون تومان و ماهی پانصد هزار تومان تسهیلات داد و این یعنی تحول در نظام انگیزشی آموزش کشور.

در گام‌های اول شاید حذف خوابگاه ممکن نباشد. بنابراین پیشنهاد نگارنده آنست که به جای تسهیلات خوابگاه به متقاضیان بومی که امتیاز آنها از امتیاز بهترین فرد قبول در سال‌های گذشته بالاتر است ماهیانه کمک هزینه پرداخت گردد. با این پیشنهاد ظرف چند سال هم سطحی علمی هر دانشگاه بالا می‌رود و هم پدیده خوابگاه حذف می‌شود. در اینجا بد نیست به تجربه کشور آلمان هم اشاره کنیم که در این کشور اگر دانشجویی از ایالت سکونت خود برای تحصیل به ایالت دیگر رفت بایستی هزینه اضافه بپردازد. نکته مهم اینجا است که با توجه به سطح علمی دانشگاه‌های کشور هیچ ضرورتی ندارد دانشجوی اصفهانی، تهران درس بخواند و دانشجوی تهرانی اصفهان. هزینه سربار این جابجایی‌ها برای کشور زیاد است به علاوه حمایت خانواده‌ها به جای سال‌های کنکور صرف حمایت در سال‌های ابتدایی دانشگاه می‌شود. رقابت‌های ناسالم حذف می‌گردد مشکلات خلأهای عاطفی و روحی روانی دانشجویان کمتر می‌گردد و مزایای دیگر.

۵-۵- دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد

همانگونه که بیان شد در بخش تولید عالم هزینه‌ها بایستی از سمت جامعه پرداخت شود و این مسأله موجب ارتقا و پویایی دانشگاه‌هاست اما این بدان معنی نیست که دولت بودجه دانشگاه‌ها را در شرایط عادی و غیرتحریم و جنگ حذف کند. بلکه در این زمان‌ها بایستی در قالب وام جوان از تحصیل جوانان کشور حمایت کند. هر

جوانی با ورود به دانشگاه می‌تواند از وام جوان استفاده کند و بخشی از هزینه‌های خود را بپردازد. اعتباری که قبلاً مستقیماً به دانشگاه پرداخت می‌شد اینجا صرف اعطای تسهیلات با بهره کم می‌شود.

۵-۶- دانشجویان دکتری

دانشجوی دکتری قوی‌ترین و ارزنده‌ترین نیروی دانشگاه است و بایستی تمام وقت در دانشگاه مشغول تحقیق باشد. دانشگاه بایستی به دانشجوی دکتری حقوق همکار علمی مثل یک کارمند پرداخت کند به او دفتر کار بدهد. دانشجوی دکتری باید تامین شود تا تولید علم در دانشگاه صورت پذیرد اما دانشگاه می‌تواند برای تامین بخشی از حقوق دانشجوی دکتری، او را ملزم کند که مثلاً ترمی ۵ واحد از دروس کارشناسی را تدریس نماید. محاسبه ساده نشان می‌دهد که با اینکار دانشگاه سود هم می‌برد.

۵-۷- استاد

با بالا رفتن انتظارات و درآمدزایی دانشگاه حقوق پایه استاد بایستی تا سطح مورد قبول بین‌المللی بالا رود. با اینکار زمینه بازگشت اساتید نخبه ایرانی نیز فراهم می‌آید. استاد به ازای طرح‌های پژوهشی که به نام دانشگاه می‌گیرد بایستی مستقیماً منتفع باشد. حقوق استاد بایستی به حدی برسد که وی بخواهد و بتواند تمام وجود خود را وقف دانشگاه بنماید. تعداد اساتید بایستی به اندازه‌ای باشد که تدریس استاد صرفاً بخشی از وقت او را بگیرد.

یک حساب ساده نشان می‌دهد که اگر نسبت استاد به دانشجو ۱ به ۲۳ باشد و استاد ترمی ۱۰ واحد تدریس

بنماید، دیگر نباید نیازی به اساتید مدعو و حق التدریس باشد. نسبت استاد به دانشجو با ملاحظه پیشنهاد بند ۵-۶ به ۱ به ۳۰ نیز قابل تقلیل است. البته برای این منظور بایستی آنارشیسم آموزشی در ارائه دروس آنچه فعلاً موج می‌زند از بین برود. که البته تمام این مسائل با اصلاح نظام اقتصادی دانشگاه و حذف حامی مستقیم دولت انجام خواهد پذیرفت.

۵-۸- کارمندان

در نظام‌های دانشگاهی دنیا نسبت استاد به کارمند ۱ به ۰٫۲۵ است، در ایران نسبت متعارف ۱ به ۱ و در دانشگاه قم ۱ به ۲ می‌باشد. نتیجه بررسی دقیق نگارنده در مقایسه دانشگاه دولتی اصفهان و دانشگاه نجف آباد نشان داد که کاهش کارمندان از ۱ به ۰٫۲۵ به ۱ به ۰٫۳ موجب کارایی بسیار بیشتر سیستم اداری شده است. اگر نسبت کارمندان از مقدار ۱ به ۱ به ۰٫۲۵ کاهش یابد ۱۴۰۰ میلیارد تومان در سال صرفه جویی خواهیم داشت.

البته بعضی سیاست‌های خصوصی سازی در دانشگاه مثل واگذاری فضای سبز، تاسیسات و خدمات به شرکت‌های پیمانکاری نیز بدون رعایت سرانه‌های مورد نیاز بایستی از بین برود. به عبارت دقیقتر بایستی هزینه نگهداری تاسیسات روشنایی دانشگاه به طور دقیق بر حسب شعله‌های لامپ و هزینه‌های نگهداری فضای سبز بر حسب متر مربع محاسبه و پرداخت شود که البته مطالعات نگارنده نشان می‌دهد شرایط اینگونه نیست. شاید این نگاه از نظر برخی دلسوزان قابل پسند نباشد اما به نظر نگارنده هرچند اطعام نیازمندان و پوشاندن آنها ارزشمند است اما رسالت دانشگاه خیلی بالاتر از این حرف‌هاست. دانشگاه به ازای هر ریال بیت المال بایستی موظف است

تولید شغل بنماید تولید ثروت بنماید.

با استفاده از فناوری‌های **Cloud computing** و **thin client** می‌توان فعالیت کارمندان دانشگاه را به دقت رصد نمود. این مطلب به سادگی در کشورهای پیشرفته اجرا می‌شود. همانگونه که امروز تمامی فعالیت‌های شما در فضای اینترنت دانشگاه ثبت می‌شود. تمامی فعالیت‌های اداری هم می‌تواند با فناوری‌های نوین ثبت گردد.

۵-۹- مدیریت دانشگاه

وزیر در نظام فعلی فرد معتمدی است که مسئولیت نظارت بر تمام دانشگاه‌های کشور و سیاستگذاری به مجموعه تحت امر او واگذار می‌شود. در دکتورین اقتصاد مقاوم این مطلب هرگز پذیرفته نیست، در هر دانشگاه قطعاً چند استاد معتمد هستند که بتوان سیاستگذاری را به آنها سپرد. تجربه نگارنده در بررسی دانشگاه‌های اروپایی نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها کاملاً مستقل و حتی متفاوت از همدیگر عمل می‌کنند. در سوئد، دانشگاه **KHT** و دانشگاه **Chalmers** نظام اداری آموزشی متفاوت دارند. دولت به آنها اعتماد کرده و هر کدام از دانشگاه‌های فوق در یک فضای رقابتی سعی در جلو افتادن از دیگری دارند. در دانشگاه‌های معتبر دنیا رئیس دانشگاه دارای عالی‌ترین مقام اجرایی کشور است. مثلاً آقای **David Johnston** رئیس دانشگاه واترلو عالی‌ترین رتبه اجرایی کشور را دارد و مانند نخست وزیر کشور نماینده ملکه به شمار می‌رود. این سطح بالای اعتماد موجب می‌شود که دانشگاه پیشرفت فوق العاده داشته باشد. تقویت نظام هیأت امنایی با اختیارات بودجه‌ای مستقل در کنار ملاحظه

بندهای قبلی ارائه شده در مورد دکترین اقتصادی موجب پویایی دانشگاه می‌شود.

۵-۱۰- فرهنگ سازی اجتماعی

شاید این بند را بتوان مهمترین بند دکترین پیشنهادی دانست از نظر نگارنده فرهنگ عمومی جامعه به گونه‌ای بایستی اصلاح شود که به دانشگاه به عنوان مرکزی برای توزیع ثروت ملی نگاه شود. نظام به ورود به دانشگاه و حمایت‌های یک طرفه دولت این تفکر را ایجاد کرده است. افراد در یک صف طولانی نه لزوماً برای تحصیل و علم آموزی بلکه برای کسب افتخار پیروزی در بزرگترین رقابت سالانه به دانشگاه‌های دولتی می‌روند تا حق خود را بگیرند! این یعنی تورم انتظارات. وصل شدن به دانشگاه دولتی از نظر عامه یعنی وصل شدن به منابع دولتی. این تفکر بایستی با اصلاح فرهنگ عمومی و با استفاده از سیاست‌های ارائه شده در بندهای قبل کاملاً اصلاح شود.

۶- موانع تحول و پیاده سازی نظام مقاوم اقتصادی دانشگاه

شاید مهمترین مانع پیاده سازی نظام پیشنهادی، را بتوان اینرسی فوق العاده نظام‌های دانشگاهی در ایران دانست. وجود مجموعه‌های صنفی جزیره‌ای چه در بخش کارمندی چه در بخش دانشجویی و چه در بخش اساتید به شدت نسبت به هر گونه تغییری مقاومت می‌کنند. فرض کنید فردی از یک فروشگاه خصوصی با درآمد چند میلیونی در سال اخراج شود این فرد هرگز تحصن نمی‌کند سراغ انسان‌های متنفذ نمی‌رود اما همین فرد اگر حقوق اندکی هم از دانشگاه دریافت کند در صورت اخراج زمین و زمان را به هم خواهد ریخت. دلیل ساده است دانشگاه نهادی به منظور توزیع ثروتمندهای اجتماعی جلوه کرده است و هیچ کس حاضر نیست از آن

محروم شود. این مطالب ضرورت بند ۵-۱۰ را نشان می‌دهد.

فرآیند استخدام در کشور یک مانع مهم تحول است. کارمندان طبق قوانین اداری پس از طی موفق دوره پیمانی می‌توانند رسمی شوند و از آن به بعد تغییر رفتاری عملکردی آنها غیرممکن می‌شود. البته از نظر نگارنده امنیت شغلی و اقتصادی یک مقوله مهم است اما بازهم بایستی گفت که رسالت دانشگاه این نیست. امنیت شغلی در کشور بایستی بوسیله نظام بیمه ای کارآمد ایجاد شود ولی دانشگاه به عنوان یک نهاد حساس در نظام بایستی بتواند به سرعت و سادگی نسبت به جایگزینی و ارتقا نیروی انسانی خود اقدام کند. فرض کنید فرضیه جدیدی در علوم به اثبات برسد یا فناوری‌های جدیدی به عرصه ظهور درآیند. دانشگاه بایستی بتواند به سرعت نیروهای متخصص در این حوزه را جذب کند اما ساختار فعلی با قوانین استخدامی موجود اجازه چنین تحولی را نمی‌دهد.

۶- جمع بندی

آنچه در این نوشتار بیان شد همانگونه که از عنوان بحث بر می‌آید، صرفاً تبیین ضرورت تحول و ارائه دکترین‌ها بود. اما هر بندی از دکترین پیشنهادی نیازمند بحث مفصل و جزئیات زیادی است که نگارنده در بسیاری موارد اطلاعات و ارقام دقیق بدست آورده است و هر بخش را به لحاظ ریاضی و آماری نیز مورد ارزیابی قرار داده است اما مجال بحث در این نوشتار نیست.